

علیرضا ولی‌پور

استادیار دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه تهران

تاریخ وصول: ۸۳/۷/۲۵

تاریخ تأیید نهایی: ۸۳/۱۱/۲۵

چکیده

با توجه به اهمیت فرهنگ‌نویسی، در یک فعالیت تحقیقی فشرده بر آن بوده‌ایم، وضعیت لغت‌نامه‌های روسی - فارسی را بررسی و رویه استاندارد مناسبی برای تجدید نظر در جهت ارتقاء آن‌ها جستجو و معرفی کنیم، بررسی‌های ما نشان می‌دهد که در لغت‌نامه‌های روسی - فارسی، نواقص متعددی وجود دارد. اهمیت لغت‌نامه‌های تشریحی، دو زبانه، بسامدی، دستوری و متنی در آن است که این‌ها به عنوان منابع بنیادین، مصالح اولیه فعالیت‌های زبانی را تشکیل می‌دهند که فقدان آن‌ها و یا نامناسب بودنشان، دیگر فعالیت‌های زبانی را که شامل آموزش، ترجمه، و یا ساخت پارسر ترجمه ماشینی را شدیداً تحت الشعاع قرار می‌دهند. بنابراین، به علت نیاز روزافزون ملی و با لحاظ آگاهی از منسوخ شدن واژگان و یا حتی روش‌های جمع‌آوری و تنظیم لغات، در این مقاله سعی بر آن نموده‌ایم که با تبیین اهمیت موضوع و کندوکاو در نقاط ضعف منابع موجود، با ارائه پیشنهادهایی، چشم‌انداز مناسبی به منظور ایجاد انگیزه برای تدوین لغت‌نامه‌های مناسب در عرصه‌های ذکر شده ارائه کنیم و زمینه‌ساز ساماندهی فعالیت‌های بالنده پژوهشی در این باره باشیم.

واژه‌های کلیدی: لغت‌نامه بسامدی، پارسر، لغت‌نامه دو زبانه، پردازش واژگان، لغت‌نامه دستوری.

مقدمه

تألیف لغت‌نامه‌های دو زبانه، بسامدی، متنی و تحلیلی‌گر نحوی، از نیازهایی بنیادین و فناوری زبانی در جهان معاصر برای هر کشوری محسوب می‌شود. آمارهای بین‌المللی حاکی از آن است که توجه به ارتقاء فرهنگ نویسی و اهمیت دادن به این امر، باعث ارتقاء علمی و زمینه‌ساز پیشرفت‌های بنیادین در علم و فرهنگ هر کشوری می‌شود. در کشور ما متأسفانه تا به امروز دکتترین مناسبی در این باره وجود نداشته است. در صورتی که اهمیت آن ایجاب می‌کند، تا برنامه‌ریزی ثابت و دائمی برای تدوین و نیز چشم‌انداز مناسبی ترسیم شود، تا بتواند اقدام شایسته‌ای در این زمینه انجام پذیرد. در ارتباط با زبان روسی، از قدیم کاستی‌های فراوانی وجود داشته که مهمترین آن عدم تدوین لغت‌نامه زبان روسی مناسب برای دانشجویان و علاقه‌مندان زبان روسی در ایران است.

امروزه در بسیاری از کشورهای پیشرفته جهان، علم زبان‌شناسی به پیشرفت‌های بزرگ و کاربردی مهمی دست یافته است. این پیشرفت‌ها باعث ارتقاء دانش زبانی و استفاده مناسب‌تر از تولیدات علمی در زبان آن کشورها و به نفع مردم و منافع ملی ایشان منجر شده است. نظارت آگاهانه بر تغییرات زبان، استفاده از داده‌های استخراج شده در نظام‌های ترجمه ماشینی، تهیه و تدوین لغت‌نامه‌های مناسب و تبیین روش‌ها و متدهای مناسب برای آموزش زبان، همه و همه مرتبط با پژوهش‌های بنیادینی است که در این علم صورت می‌گیرد. از سوی دیگر، با درک ایجاد ارتباط لازم و مناسب میان زبان‌شناسی و دیگر علوم مانند پزشکی، فیزیک، ریاضیات و روان‌شناسی، موجب پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای در این رشته از علوم می‌شود. در روسیه و دیگر کشورهای پیشرفته جهان، هر ساله علاوه بر نگارش لغت‌نامه‌های مرسوم و متداول که توسط بخش خصوصی و دولتی صورت می‌گیرد، فعالیت‌های بنیادی بر روی لغات توسط مؤسسات تحقیقاتی دولتی و یا با سفارش دولت توسط بخش خصوصی به طور دائم صورت می‌پذیرد. از مهمترین فعالیت‌ها می‌توان به تهیه لغت‌نامه‌های بسامدی و لغت‌نامه‌های سالیانه در حیطه‌های مهم و مورد نیاز علوم مختلف اشاره کرد. همچنین فعالیت‌هایی مرتبط برای شناخت و درک بهتر از ساختار زبان و استخراج لگاریتم‌های مربوط به آن صورت می‌پذیرد. زبان‌شناسان معاصر جهان امروز بر این باورند که «زبان همانند یک موجود پیچیده زنده، فعال و بسیار متغیر است که شناخت از چگونگی تغییرات آن محتاج به نظریه‌پردازی‌های دقیقی دارد» (یاکوبسن، ۱۹۹۸، ص ۱۴۲).

برای مثال وقتی مجموعه لغت‌های وارد شده و به‌کار گرفته شده در طی یک سال در زبان روسی مورد تحلیل قرار می‌گیرد، مشخص می‌شود که هجوم چه بسیار فرهنگی‌هایی عملاً اتفاق افتاده است، و این نیاز تا چه حد طبیعی بوده؟ سپس بر اساس این داده‌ها تصمیمات، روش‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی اتخاذ می‌گردد. همان قدر که در صنعت هر کشوری وجود دستگاه‌های مادر ماشین‌سازی که تولیدکننده ماشین‌های دیگری‌اند، تضمین‌کننده استمرار تولیدند و محرومیت از آن‌ها موجب وابستگی و ضعف دائمی در ساختار صنعتی و علمی هر کشوری می‌شود، نبود و یا کمبود کتب و منابع و مآخذ مرجع، مانند دایرةالمعارف‌ها، فرهنگ‌ها، و یا کتب مربوط به علوم پایه نیز، همین وضع را به‌وجود آورده و روند توسعه نیافتگی را استمرار می‌بخشد.

در زبان‌شناسی معاصر نیز به واسطه پیشرفت روزافزون در عرصه ترجمه ماشینی و احتیاج گسترده به این فناوری، ضرورت تألیف انواع لغت‌نامه‌های مخصوص برای تحلیل‌گر نحوی (پارسر)، اجتناب‌ناپذیر است.

پردازش کلمات و تجزیه و تحلیل صرفی واژه‌های هر زبان، ویژگی‌ها و مشکلات مخصوص به خود را دارد. بعضی از این مشکلات در همه زبان‌ها به صورت مشترک وجود دارند و به زبانی خاص اختصاص ندارند؛ مشکلاتی مانند: چند معنایی، تعیین سبک و مشخص کردن حدود آن، اما موضوع ترجمه لغات، چون بُعد فرهنگی را نیز در بر دارد، معمولاً ترجمه یک به یک واژه‌ها، جز در مواردی محدود، مقدر نیست و ضرورتی هم برای این کار در لغت‌نامه وجود ندارد و اصرار بر آن نیز مزیت محسوب نمی‌شود. «هر کلام و گفته در هر زبان صورتی^۱ و محتوایی^۲ دارد، و آن‌چنان‌که برگرداندن جمله‌ای به زبان دیگر، لزوماً توأم با تساوی نشانه‌های صرفی و زنجیری نخواهد بود، مفهوم کلمات نیز از زبانی به زبان دیگر، کاملاً همگن نخواهد بود» (بارخودارف، ۱۹۹۵، ۱۲۲).

بحث و بررسی

«احتیاج به ضریب دقت و توانایی در اطلاع از ویژگی‌های زبان مبدأ و مقصد، هنگامی مضاعف می‌شود، که محقق دست به تألیف فرهنگ دو زبانه‌ای بزند که زبان‌های مبدأ و مقصد آن هم‌خانواده نباشند و در نتیجه او مجبور باشد علاوه بر استفاده از اطلاعات خود در زمینه لغت -

صرف و نحو، به موضوع روان‌شناختی زبان نیز توجه کند» (دولینین، ۱۹۸۳، ص ۷۳). برای مثال برای ما فارسی‌زبانان، بیان موضوع حرکت با افعال خاصی صورت می‌گیرد، چنانچه گوینده قصد دور شدن از مکانی را داشته باشد، از فعل رفتن استفاده می‌شود و اگر گوینده قصد داشته باشد به فرد دیگری خبر حرکت خود را اعلام کند و او را مخاطب قرار دهد از فعل آمدن استفاده می‌کند. مثلاً: من فردا به مسکو می‌روم - من فردا به مسکو می‌آیم (اگر مخاطب وی در مسکو باشد).

در زبان روسی با وجود مقوله گونه فعل، موضوع حالت دیگری به خود می‌گیرد و معنای فعل حرکتی پس از مشخص شدن سمت حرکت معلوم خواهد شد (ملچوک، ۱۹۸۹، ص ۶۴). برای نمونه، فعل **идти** را نمی‌توان بدون لحاظ کردن آنچه که گفتیم، معنا کرد، متأسفانه فرهنگ‌نویسان روس به این نکته که از بعد روان‌شناسی زبان اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد، بی‌توجه بوده‌اند که این بی‌توجهی به خاطر عدم شناخت آنان از سبک و کاربرد توأم با ظرافت کلمات فارسی و نحو زبان فارسی بوده است. در لغت‌نامه‌های تألیفی توسط روس‌ها، در این زمینه آشفتگی فراوانی وجود دارد که فراگیران ایرانی را به شک و ابهام دچار می‌سازد. زیرا تجربه نشان داده است که تهیه لغت‌نامه‌های دو زبانه روسی - فارسی و تحریر دستورهای آموزش زبان روسی برای ایرانیان، بدون مشارکت و همکاری روسی‌دان‌های ایرانی، دچار مشکلات و ابهامات فراوان می‌گردد. زیرا تفاوت‌های زبانی به اندازه کافی مورد توجه قرار نگرفته است (ولی‌پور، ۱۳۸۳، ص ۱۶۲).

برای فراگیر مبتدی دشوار است که یک جمله کوتاه چگونه ممکن است دو معنا داشته باشد، آن هم دو معنای متضاد به مثال زیر توجه کنید.

من می‌آیم я иду.....

من می‌روم я иду.....

ممکن است گفته شود، بدون درج قید مکان نمی‌توان این جمله را ترجمه کرد، باید گفت که همیشه این طور نیست و در مکالمات روزمره و یا در یک متن به قرینه بسیاری از اجزای جمله حذف می‌شود ولی معنا حذف نمی‌شود، باید توجه داشت که این موضوع در واقع به موقعیت و متن باز می‌گردد و در لغت‌نامه نباید از این رویه استفاده شود. برای مثال نگاه شود به لغت‌نامه‌های روسی به فارسی افچنینکوا و **Обчинникова** (افچنینکوا، ۱۹۶۵)، که در ارتباط با معنای فعل **идти** نوشته شده است، رفتن - آمدن.

در فرهنگ روسی به فارسی واسکانیان (واسکانیان، ۱۹۷۵) نیز در ارتباط با معنای فعل **идти** نوشته شده است، رفتن - آمدن!

و این متضاد معنا کردن برای دانشجوی ایرانی ایجاد ابهام می‌کند.

از این گونه موارد که باعث ابهامات می‌شود در لغت‌نامه‌های روسی به فارسی، فراوان به چشم می‌خورد. مثلاً بسیاری از افعال مشابه گروه **выйти** دارای منظور دو وجهی از حرکت در روسی است، حرکت از یک منشاء به منشاء دیگر که تفاوت اندازه و یا سقف دار بودن یا نبودن مد نظر باشد، این‌که چرا ذهن یک روس به این موارد اهمیت می‌دهد، یک بحث روان‌شناسی زبانی است، ولی ما می‌دانیم که برای فارسی‌زبانان این مفهوم در زبان خودمان متصور نمی‌شود.

با این حال ممکن است این سؤال پیش آید که در لغت‌نامه دو زبانه، برای معنای چنین کلماتی که با نوشتن یک کلمه معمولاً می‌باید معنا شود، چه روشی می‌بایست اتخاذ شود. به نظر می‌رسد، در چنین مواردی باید توضیحات لازم را به جای معنای کلمه‌ای نوشت و برای روشن شدن موضوع از چند مثال مختلف بهره برد. حتی در چنین مواردی به نظر می‌رسد اگر معنای کلی‌تر درج شود، مناسب‌تر باشد، یعنی «حرکت کردن». از طرفی موضوع ترجمه لغات چون بُعد فرهنگی را نیز در بر دارد، معمولاً ترجمه یک به یک در مورد همه لغات مقدور نیست و ضرورتی هم برای این کار در لغت‌نامه وجود ندارد (گاسپاروف، ۱۹۹۶، ص ۶۳).

این موضوع همان‌طور که گفتیم در هنگامی که دو زبان از دو خانواده زبانی متفاوت باشند، بیشتر بروز خواهد کرد. در حین کار با دانشجویان زبان روسی در درس تحقیق، بارها شاهد آن بودم که دانشجوی ناراحت و مضطرب می‌شد که چرا قادر نیست برخی کلمات را با یک یا دو کلمه ترجمه کند، ولی وقتی توضیحات لازم داده می‌شد و برای او محرز می‌گشت که برای برخی کلمات و افعال معنای واحد متقابل وجود ندارد و علت آن هم تفاوت‌های فرهنگی و منطقه‌ای و جنبه‌های روان‌شناسی زبان است، آنان از سردرگمی‌هایی می‌یافتند و با دید واقع‌بینانه و عمیق‌تری روش مناسبی را برای ترجمه کلمه مزبور اتخاذ می‌کردند. اتخاذ این روش به تقویت بنیه علمی و پژوهشی دانشجویان کمک شایانی می‌کند و به آنان در جریان انجام ترجمه، انعطاف‌پذیری مناسبی می‌بخشد. برای نمونه در حین انجام کار تحقیق، دانشجویی اعتراف کرد، معانی کلمه‌ای را نمی‌تواند بفهمد و برای برخی کاربردهای آن معادلی نمی‌تواند تعیین کند. کلمه مورد نظر **окольный** بود و مانند کلمه **спутник** روسی دارای معنی منسوخ نیز می‌باشد.

با دقت درباره معنایی کلمات مزبور معلوم شد که در بسیاری موارد توقع بر ترجمه یک به یک اشتباه است و ضرورتی بر انجام آن نیست و یا امکان آن وجود ندارد و در نتیجه بهتر است ترکیبات آن را در جمله به دست آورد و کاربردهای اولیه، مجازی و منسوخ را از یکدیگر متمایز ساخت. شیوه‌ای که در منابع معتبر علمی رایج است و ما نیز مانند مثال زیر از آن تبعیت کرده‌ایم.

گرداگرد، دورتادور -ая, -ой || **окольный**

راه دورتادور، مسیر پیرامونی **~ая дорога**

2. перен. ناشایست، با حیله و نیرنگ

رفتار ناشایست کردن **действовать ~ыми путями**

با حیله و نیرنگ فهمیدن **узнать ~ым путём**

3. уст. دوروبر، همسایه

با دقت در به دست آوردن معنای این گونه کلمات در فرهنگ‌های لغت روسی - فارسی کاملاً مشخص می‌شود، لغت‌نامه‌ای که اصرار بر ارائه یک کلمه معادل دارد، در بسیاری موارد این گونه کلمات را حذف می‌کنند.

از نکات منفی در تدوین لغت‌نامه‌ها، عدم درج اختصارات لازم در آن است. بعد از مدت‌ها اخیراً لغت‌نامه روسی به فارسی جدیدی توسط انتشارات دانشیار به همت دکتر قدیر گلکاریان به چاپ رسیده است. در این لغت‌نامه به سبک کاربردی کلمات اشاره نشده و این موضوع به جنبه کاربردی این لغت‌نامه صدمه فراوان می‌زند، به خصوص که کلمات در قالب مثال در جمله نیز نیامده و بر ابهام کاربرد آن‌ها افزوده است.

در لغت‌نامه‌های روسی - فارسی که توسط روس‌ها تألیف شده، هر دو گونه افعال نوشته شده، البته در برخی معنا و توضیحات کاربردی در برابر گونه مطلق و در برخی نیز جلوی گونه استمراری آمده، اما در فرهنگ لغت روسی - فارسی دانشیار این مطلب به چشم نمی‌خورد و افعال گونه مطلق با بسامد بسیار زیاد حذف شده‌اند. مانند، **обставить- прочитать**، و..... بسیاری دیگر و قاعدتاً ترکیبات به کار رفته با این افعال نیز وجود ندارد، در صورتی که ما در لغت‌نامه در دست تدوین خود معانی و ترکیبات ذیل را برای آن استخراج و درج کرده‌ایم.

прочитать сов. что.

1. тж. без. доп. خواندن، بلند چیزی را خواندن، **~ть вслух**؛ کتاب خواندن **~ть книгу**؛ خواندن، **~خواندن**

2. перен. من در صورت او ترس را دیدم **я ~л на его лице испуг** دیدن، خواندن، **دیدن**

3. شعر را قرائت کردن (خواندن) **~ть стихотворение**؛ سخنرانی کردن، خواندن

4. نصیحت کردن، تنبیه کردن **~ть юстицию**؛ کردن، گفتن

5. گفتن، خواندن، بیان کردن، اظهار کردن

6. тж. без доп. او تمام شب را کتاب خواند **он ~л всю ночь**؛ مدتی خواندن

обставить сов.

1. اطراف دور تا دور گذاشتن، آراستن، چیزی را پوشاندن **кого-что**

اطراف تریبون را با گل آراستن **~ трибуну цветами**

تفصیل دادن **//что перен. (сопроводить)**

داستان را جزء به جزء شرح دادن **~ рассказ подробностями**

2. خانه را مبله کردن **квартиру**؛ مبله کردن **что (меблировать)**

شرایط را فراهم کردن **что перен. (создать условия, обстановку)**

به طور رسمی (با شکوه) از مهمانان پذیرایی کردن **торжественно ~ приём гостей**

4. кого- что **прост. (обогнать)** جلو افتادن، پیشدستی کردن

5. кого. **прост. (обыграть)** برنده شدن

6. кого-что **прост. (обмануть)** فریب دادن، گول زدن

همان‌طور که گفته شد، از نکات بسیار منفی در تدوین این لغت‌نامه، عدم درج اختصارات دستوری برای اجزای کلام است، زیرا درج اختصارات دستوری برای زبان صرفی روسی و هر زبان دیگر صرفی کاملاً ضروری است.

با توجه به مطالب گفته شده و مطالبی که متعاقباً در این مقاله آمده، چنین مجموعه‌هایی را می‌توان فهرست لغات نامید و نه فرهنگ لغات. البته قصد ما در این مقاله نقد و بررسی لغت‌نامه خاصی نیست، اما به لحاظ پژوهش مورد نظر و ارایه مستندات، لاجرم به برخی موارد از

کاستی‌ها و اشکالات موجود در لغتنامه‌های موجود اشاره می‌کنیم.

مؤلف لغت‌نامه در مقدمه کوتاه خود دچار خطاهایی شده که وجود آن برای کتاب مرجع غیرقابل اغماض است. وی در صفحات توضیحات درج شده مطالبی را به شرح زیر بیان داشته است که کاملاً غلط است. وی نوشته شده است که:
در کلمات روسی، حرکت جایگاه خاصی ندارد (ص ۱) در صورتی که باید گفته شود محل ضربه در اکثر کلمات روسی ثابت نیست. در همان صفحه درج شده است:

برخی حروف که نشان دهنده اصوات‌اند و در زبان‌های دیگر نیز مشابه ندارند، نیمه‌صدادارند، (!) در صورتی که چنین پدیده‌ای در زبان روسی وجود ندارد و نویسنده محترم نیز در ادامه بحث خود دیگر اشاره نمی‌کند که این حروف نیمه‌صدادار کدام‌ها است؟! باید توجه کرد که - در زبان روسی ادغام دو مصوت روی نمی‌دهد و آنچه تحت عنوان دیفتونگ (ادغام دو مصوت) در برخی زبان‌ها مثل انگلیسی مشاهده می‌شود، قابل تعمیم به واژه‌های روسی نیست.

در ادامه، مؤلف به دانشجویان متذکر و یادآور می‌شود که حروف بی‌صدای خشن در زبان روسی عبارتند از: **А у е ы з ь** در صورتی که این موضوع کاملاً غلط است و اصولاً پدیده نرمی و سختی ربطی به حروف صدادار ندارد. ممکن است گفته شود که منظور وی حروف بی‌صدای سخت بوده است و نه حروف واکه، باید در پاسخ توضیح دهیم که وی از حروف بی‌صدا سخن به میان آورده است، ولی مثال‌های ارائه شده همه به غیر از **з** واکدار و **ь** نیز فقط علامت مفارقه است و بیانگر صوتی نیست!

در ادامه نیز اشتباهات ادامه یافته است و در قسمت «ب» به واسطه عدم درک از مرز هویتی حروف و اصوات، این خلط مبحث اسفناک ادامه یافته است و باز از حروف بی‌صدای نرم سخن به میان آورده که مثال‌ها همه اشتباه و موارد ذکر شده نشانه‌های ترکیبی اصوات زبان روسی است که در برخی موارد، نشانه دو مصوت و در برخی موارد دال بر یک صوت‌اند، نشانه نرم بودن، صدای ماقبل آن است، نه این‌که خودش نرم است و یا نرم‌کننده صدای دیگری است. این دوگانه عمل کردن برخی حروف روسی از تفکرات نبوغ‌آمیز برادران «گریل» و «میفیدی» سرچشمه گرفته و به وجود آمده و برای زبان روسی بسیار اقتصادی و مفید شده است، اما متأسفانه مؤلف لغت‌نامه هیچ کدام از این منظوره‌های ظریف را درک نکرده، بلکه اشتباه فهمیده و توضیحات اشتباهی نیز ارائه داده است.

باید بگوییم، یک یا دو غلط در مقدمه یک لغت‌نامه، شاید قابل گذشت باشد، اما مقدمه‌ای که سرتاسر غلط و گمراه کننده است و باعث تشویش ذهن نوآموزان و دانشجویان روسی می‌شود، یک نوع عدم مسئولیت‌پذیری از طرف نویسنده آن محسوب می‌شود و به نظر می‌رسد، بهتر می‌بود که توسط مراجع ذیصلاح، از بازار کتاب جمع‌آوری و تصحیح گردد.

در ادامه مؤلف توضیح می‌دهد که برخی صداها مثل «ژ» **ж** همیشه در روسی سخت است در صورتی که اگر منظور صدای «ژ» است و نه حرف **ж** «ژ»، این برداشت صحیح نیست و در موارد فراوانی «ژ» نرم تلفظ می‌شود، مانند:

Позже [пoж'ь]

Езжу [йеж'у]

از دیگر اشتباهاتی که در مقدمه وجود دارد، غلط‌های دیکته‌ای فاحش است. مؤلف در مثال‌هایی که صدای **п** و **л** ذکر کرده، هر دو صورت را به حرف **п** نوشته است!
در ادامه یادداشت مترجم، ایشان نوشته‌اند:

در زبان روسی کلمات فقط به شکل‌های نرم و خشن تقسیم‌بندی نمی‌شوند بلکه حروف بی‌صدا نیز به حروف تن‌دار و حروف خفه تقسیم می‌شوند. باید از ایشان پرسید از کی و چگونه کلمات روسی به نرم و خشن تقسیم شده است و اصولاً آیا می‌توان چنین چیزی را تصور کرد! یا اصلاً می‌توان حتی از حروف نرم و خشن سخن به میان آورد. آنچه به نرمی و سختی مربوط می‌شود، نه مقوله کلمه را در برمی‌گیرد و نه حروف را، بلکه فقط برخی اصوات بی‌صدا را در زبان روسی در برمی‌گیرد که متأسفانه مؤلف با کمال تعجب این سه مقوله را مخلوط کرده و متعاقباً ذهن خواننده را مشوش می‌کند.

در ادامه، نویسنده به تفاوت تلفظ در حروف تن‌دار و خفه می‌پردازد و توضیح می‌دهد کام دهان و زبان در یک سو قرار می‌گیرد و حروف با صدای بلند تلفظ می‌شود. در تفسیر این توضیح مبهم و غلط، باید گفت، کام از ارگان‌های ثابت گویایی است و حرکت زبان به سمت کام ربطی به تن‌دار بودن و یا خفه بودن ندارد و برای من معلوم نمی‌شود که این تصورات غلط چگونه به ذهن مترجم خطور کرده است. ضمناً وی برخی صداهای زنگ‌دار را در توضیحات خود، در حالی که کنار هم نوشته، با حروف کوچک و برخی را با حروف بزرگ نوشته‌اند که بهتر می‌بود از یک رویه پیروی می‌کردند. در ادامه ایشان فرموده‌اند:

باید توجه کرد که حروف بعدی این حروف موجب تقسیم‌بندی آن‌ها به حروف خفه یا تن‌دار می‌شود. در صورتی که این مطلب به

موقعیت‌های مشخص قرار گرفتن واکه و همخوان در کلمه مربوط می‌شود و این توضیح مبهم به هیچ وجه راه‌گشا نیست. نامبرده در همین قسمت نوشته‌اند: تمام حروف بی‌صدا مقابل حروف بی‌صدای تن‌دار، غالباً تن‌دار تلفظ می‌شوند، در صورتی که این چنین نیست و فقط شش جفت از صداها در زبان روسی چنین وضعیتی می‌تواند پیدا کند.

از اغلاط آموزشی بارز که توسط مترجم در این مقدمه درج شده، توضیح در مورد حروف **в-ж-п** است، که به ادعای ایشان همیشه تن‌دار تلفظ می‌شود. چنین مطلبی به هیچ وجه صحت ندارد و این سه حرف می‌تواند هم در کلمه تن‌دار و هم خفه تلفظ شوند (عجیب است که مؤلف خلاف توضیحات و ادعاهای مطرح شده کلماتی مانند «مرد» **муж** و «اخلاق» **прав** را با صدای خفه ترانسکریپ کرده است!!) (گلکاریان، ۱۳۸۱، ص ۲۲۲ - ۱۷۸)

در بحث توضیحات در مورد حروف صدادار، مجدداً ایشان حروف و صداها را از هم تفکیک نکرده و توضیحات کاملاً غلطی ارائه داده است. ایشان توضیح داده‌اند که حروف **я-ю-у-ѣ** خصوصیات منحصر به فردی دارند و حروف بعدی خود را، اگر از نوع بی‌صدا باشند، به صورت نرم درمی‌آورد. اولاً باید گفت این حروف، به هیچ وجه نرم‌کننده حروف بعد از خود نیستند و اصولاً چنین چیزی که صدایی بعد از خود را نرم کند، در زبان روسی وجود ندارد. این حروف که نقش دوگانه‌ای در کلام ایفا می‌کند، فقط در مواردی نشان می‌دهد که صدا یا حرف ماقبل خود نرم است (دقت شود فقط نشان می‌دهد که صدای مربوطه نرم است و مهم‌تر این که نه صدا و حروف بعد از خود را بلکه ماقبل خود را توضیح می‌دهند) برای تفهیم بهتر مطلب به دو مثال زیر توجه کنید:

Язык- пять

در کلمه **Язык** «زبان» **я** بیانگر آن نیست که حرف بعد از خود که **з** است نرم می‌باشد، اما در کلمه **пять** «پنج» **я** نشان می‌دهد **п** نرم است. **п** قبل از **я** قرار دارد و نه بعد از آن ضمناً حرف **я** حرف **п** را نرم نمی‌کند و خودش نرم است و اصولاً قبل از **я** نرم تلفظ می‌شود و این امکان به‌دست نمی‌آید که **я** بر آن تأثیر بگذارد!

با ذکر نواقصی که در لغت‌نامه تازه منتشر شده دانشیار وجود دارد، می‌خواهم بر این نکته تأکید کنم، همان‌طور که دولت نسبت به تأمین آب و نان و نیازهای اساسی مردم حساس است و فقط در مواردی که اطمینان از تأمین آن در شکل مناسب باشد، به بخش خصوصی واگذار می‌کند، در مورد نیازهای بنیادین و همگانی نیز این رویه باید لحاظ گردد.

در اتحاد جماهیر شوروی سابق هر ده سال کتب مرجع در همه زمینه‌ها با اصلاحات لازم تجدید چاپ می‌شد و این مهم به صورت یک وظیفه دائمی به آکادمی علوم شوروی واگذار شده بود. برای مثال کتاب **گرامر کامل زبان روسی** که در دو جلد صرف و نحو ارائه می‌شده و برای تصحیح و تکمیل آن از بهترین استادان استفاده می‌شده، و هر ده سال یک بار تصحیح و تجدید چاپ شده است. این کتاب منبع و مرجع همه دست‌نویسان روس است و برای مقاطع مختلف از آن استفاده می‌شود و در برخی موارد که اختلاف نظر در اصول کاربردی مانند، تعیین مرز هجا، تعیین واج و روش‌های مربوط به آن، بیان الگوهای گفتار و غیره وجود داشته باشد، نقطه نظرات ارائه شده در این کتاب، تعدیل‌کننده و نزدیک‌کننده آراء دیگران می‌شود و یا این که امکان استفاده تلفیقی از مواردی خاص با استناد به این مرجع میسر می‌شود.

از نکات مهم دیگری که متأسفانه کمبود و نقص در کار فرهنگ‌نگاری ما محسوب می‌شود، عدم تفکیک لغات از حیث کاربرد زمانی آن‌هاست. این موضوع از آن رو حائز اهمیت است که «کلمات نه تنها از نظر بار معنایی خود در مسیر زمان دچار تغییرات می‌شوند، بلکه از نظر کاربرد در سبک‌های مختلف و حتی تلفظ نیز تغییر می‌کنند»، (کوژینا، ۱۹۷۹، ص ۴۳)، در روسیه، در برخی حیطه‌های زبانی مانند ادبیات و داستان، لغت‌نامه‌هایی برای محدوده زمانی خاصی وجود دارد و در واقع نوع گفتار عادی در قرن‌های خاص و یا نیم قرن خاصی مورد توجه قرار گرفته‌اند، با کمک این لغت‌نامه‌ها اگر یک گروه تئاتر، قصد اجرای نمایشنامه‌ای از یک منبع قدیمی را داشته باشد، خصوصیات کاربردی و تلفظ کلمات در محدوده زمانی خاص مهیا است و اصالت اجرای یک برنامه هنری، با شناخت و آگاهی و امکان تمرین و فراهم آوردن تمهیدات لازم به خوبی تأمین می‌شود.

به نظر می‌رسد، در کشور ما نیز باید نیازهای بنیادین در حیطه زبانی، شناسایی و سعی در تحقق آن طبق برنامه معینی شود. رویه کنونی چندان صحیح نیست، که پروژه ملی فقط به واسطه ابتکار افراد مبتکر و علاقه‌مند شناخته، پیشنهاد و سپس مورد تأیید واقع شود، زیرا مدیران کارگزار ناظر بر فعالیت‌های علمی هر کشوری می‌بایست بر اساس نیازهای ملی، پروژه‌های ملی را نیز تعریف و راه‌های اقدام به آن را هموار سازند.

همان‌طور که گفته شد، به روز رساندن اطلاعات مهم و بنیادین جزء پروژه‌های ملی هر کشور برای همیشه باید باشد و شوروی از این اصل تبعیت می‌کرد.

با فروپاشی شوروی، حدود نیازها و اهم فی‌الاهم برخی نیازها بر اساس دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی کشور تغییر پیدا کرد، دیوار آهنین

فرو ریخت و بعد از آن نیز انفجار اطلاعات در دنیای کنونی روی داد. ارتباط با غرب در روسیه گسترش یافت و از سوی دیگر طبق دکترین جدید، محدوده ارتباط با کشورهای جهان سوم تغییر پیدا کرد.

پس از فروپاشی نگاه به غرب عوض شد و چاپ کتاب و منابع مرجع که مرتبط با تمدن غرب بود، گسترش فراوانی پیدا کرد، اما در کنار آن طرح‌هایی که در ارتباط با کشورهای در حال توسعه بود، متوقف و کنار گذاشته شد. تا قبل از آن در شوروی کتاب‌های مرجع زیادی برای عرب‌زبان‌ها و فارس‌زبان‌ها تدوین می‌شد که نیازهای علمی و فرهنگی و عمومی را تا حد قابل قبولی تأمین می‌کرد. برای مثال فرهنگ‌های روسی به فارسی و فارسی به روسی تهیه شد که بیش از روس‌ها ایرانیان و به خصوص دانشجویان زبان روسی و دانشجویان دیگر رشته‌ها که در روسیه کسب علم می‌کردند و یا الان مشغول به علم‌آموزی‌اند از آن‌ها بهره‌مند شده‌اند.

آنچه که مشخص است، انگیزه لغت‌نامه‌نویسی بیشتر به دو موضوع بازمی‌گردد؛ علاقه شخصی و نیاز ملی.

در روسیه وظیفه مدیران امور پژوهشی گره زدن و وصل کردن علاقه شخصی و یا حتی کشف توانایی‌های فردی به نیاز ملی بوده است و اتخاذ این روش نتایج پر باری دربرداشته است.

– اما آیا در ایران نیز این رویه وجود داشته است؟

متأسفانه در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته خیر، و علی‌رغم علاقه و توانایی‌ها، به علت عدم حمایت لازم، چنین قوه‌هایی به فعل نمی‌انجامد و عملاً قبولاندن چنین طرح‌هایی (تألیف لغت‌نامه) به عنوان طرح ملی به نتیجه نرسیده و تسهیلات لازم برای عملی شدن آن، تاکنون محقق نگردیده است.

موضوع طبقه‌بندی نیازهای ملی نباید سلیقه‌ای و مقطعی باشد و باید کارشناسانه و دقیق و فراگیر باشد و همه علوم و فنون بنیادی و کاربردی را شامل شود. اگر چه می‌توان ادعا کرد که امکان تدوین فرهنگ قواعد ساختاری یا واژگان دستوری همیشه وجود دارد اما، مختصه و ویژگی زبان به گونه‌ای است که در هیچ برهه‌ای از زمان نمی‌توان فرهنگی – هر چند مبسوط – را یافت که دربر دارنده همه واژه‌های آن زبان باشد، چه زبان پدیده‌ای است زایا و هر زمان می‌توان انتظار داشت که واژه‌هایی جدید خلق و به مجموعه واژگان آن زبان افزوده شود. در روسیه لغت‌نامه‌های گرامری از نیم قرن پیش شکل گرفت و تکمیل شد و لغت‌نامه گرامری صد هزار کلمه‌ای زالی‌نیاک و لگاریتم‌های دستوری آپرسیان امروزه به مرحله مصرف رسیده، اما راه زیادی را طی کرده و کامل شده‌اند. برای آینده ما نیز این نیاز مانند روز روشن است. اما اهمیت تحقیق بر روی لغات، امروزه در ابعاد نوین دیگری نیز، خودنمایی می‌کند.

در ساختار نظام‌های ترجمه ماشینی سه مؤلفه اصلی وجود دارد و هر مؤلفه نیز به نوبه خود از مجموعه اجزایی تشکیل می‌شود که در راستای تحقق نقش یا نقش‌های آن سه مؤلفه اصلی عمل می‌کنند. مؤلفه‌های فوق‌الذکر در تناظر با سه سطح که علم زبان‌شناسی نوین برای هر زبان طبیعی و زنده قائل است، قرار دارند. این سه سطح عبارتند از:

الف- واژگان ب- نحو و ساختار ج- معناشناسی

باید همواره این نکته را در نظر داشت که تفکیک این سطوح، مبین عدم ارتباط بین مختصات واژگان، نحو و ساختار و معناشناسی متن نیست، بلکه هر سه سطح در سلسله مراتب چند بعدی خود، در حکم تار و پود یکدیگرند (خداپرستی، ۱۳۶۵، ص ۳).

شوروی‌ها پیشگامان این عرصه در دهه پنجاه میلادی بودند، و پژوهش‌های خود را در زمینه بررسی واژگان و معناشناسی در انستیتوی مرکز اطلاعات علمی VINITI و آزمایشگاه مدل‌سازی الکترونیک انجام می‌دادند. در همین سال‌ها بلسکایا Бельская الگوریتمی جامع برای ترجمه ماشینی دوسویه انگلیسی – روسی ارائه کرد. در طی دهه شصت زبان‌شناسان فرمالیست روسی، در زمینه‌های متعدد موضوع مورد بحث، تحقیقات ارزنده‌ای را سامان دادند. غنا و عمق پژوهش‌های گسترده آنان در زمینه نشانه‌شناسی و تجزیه و تحلیل نشانه‌ها، رابطه متن و معنا، تجزیه و تحلیل‌های مرفولوژیکی، نحوی و معناشناختی بیانگر آن بود که روس‌ها مسائل و مشکلات مربوط به ابهام‌های واژگانی و معنایی را حل کرده بودند. همزمان در دانشگاه ایالتی مسکو نیز گروهی به سرپرستی کولاگینا Кулагина و مولوشنایا Молошная الگوریتمی قوی در زمینه تجزیه و تحلیل مرفولوژیکی و ساختاری ابداع کردند. ملچوک زبان‌شناس نامدار روسی در انستیتوی پژوهش زبان‌های خارجی وینیتی^۳ اولین کسی بود که مؤلفه‌های معنایی را در ترجمه ماشینی به کار بست، تا بالاخره نخستین ماشین ترجمه کاربردی شوروی‌ها در سال ۱۹۷۶ به ثمر نشست و مورد استفاده همگان قرار گرفت (خداپرستی، ۱۳۶۵، ص ۳)

نکته مهم آن‌که راز و رمز نظام ترجمه ماشینی تا زمانی که ملچوک و یکی از همکارانش به غرب پناهنده شدند، پوشیده ماند.

پس از ملچوک موضوع ترجمه ماشینی در روسیه برای مدتی با رکود مواجه شد، اما با تلاش و همت پروفسور یوری نیکلای‌ویچ مارچوک تحقیقات قبلی ادامه یافت و تکمیل شد. پروفسور یوری نیکلای‌ویچ مارچوک روش کار را تا حد فراوانی تصحیح و ارتقاء داد و پارسی بسیار

کارآمد با روش بیست و دو (۲۲) مرحله‌ای به وجود آورد.^۴

اما باید به این نکته توجه کنیم که برای دستیابی به فناوری ترجمه ماشینی احتیاج به تأمین پیش‌نیازهای این فناوری در دو بعد زبانی و برنامه‌نویسی است، آنچه که به بحث ما، یعنی طرف زبانی این پیش‌نیازها مربوط می‌شود، تأمین کمبودها در زمینه لغت‌نامه‌های گرامری، بسامدی، متنی و نشانه‌گذاری شده است، موضوع مهمی که در کشور ما سابقه پرداختن به آن بسیار ناچیز و ضعیف است. واضح است که اگر ما درصدد ارتقاء سطح استفاده از زبان در ابعاد جدیدتر و امروزی‌انیم، چاره‌ای نداریم که زیر ساخت‌های محکم و نوینی به وجود آوریم، تا اطلاعات اولیه و ضروری برای پردازش‌های مورد نیاز زبانی و یا برای استفاده در ارتباط دو سویه با ماشین فراهم آید.

یکی از موضوعات مهم بر سر راه ساخته شدن ترجمه ماشینی، مشکل چند معنایی بودن واژه‌ها، شناخته شده‌ترین ویژگی زبان‌های طبیعی است که این امر زائیده قانونی است که در زبان‌شناسی با عنوان اقتصاد کلامی^۵ اشتهار یافته است. مترجم به هنگام برخورد به واژه چند معنا، با تکیه بر توانش زبانی^۶ خود و بافتار و موضوع متن می‌تواند، معادل واقعی واژه را تشخیص دهد و برگزیند. رایانه فاقد چنین توانایی است. بنابراین طراح ماشین ترجمه ناگزیر است مقدماتی فراهم سازد و در الگوریتم؛ به تمهیداتی دست یازد که از طریق آن بتواند خلأ موجود را ترمیم کند. این تمهیدات باید از نخستین مراحل پردازش یعنی از مرحله واژگان و نحو و ساختار آغاز شود و تا آخرین مرحله، یعنی مرحله تجزیه و تحلیل معنانشناختی متن تداوم یابد. با پذیرش این واقعیت که نمی‌توان پروسه پیچیده و کاملاً انتزاعی معنانشناسی را در این مختصر تشریح کرد، با ذکر مثالی از کتاب استاد ارجمند، پروفیسور مارچوک، موضوع را بررسی می‌کنیم.

The fish was bought by the river - The fish was bought by the cook

در این دو جمله، اگر پارسر نتواند ساختار جمله را درک کند، حرف اضافه *by* در یکی از آن دو جمله، به غلط ترجمه خواهد شد، اما اگر پارسر طوری برنامه‌ریزی شده باشد که وقتی به حرف اضافه *by* رسید، کلمه بعدی را نیز در نظر بگیرد و بعد از آن که مشخص شد اگر بعد از حرف اضافه *by* اسم جاندار بود، فاعل واقعی جمله محسوب کند، و اگر بعد از حرف اضافه *by* اسم جاندار نبود، قید مکان محسوب شود.

با این حال پروفیسور مارچوک در آخرین مقالات و پژوهش‌های خود رویکرد جدیدی نسبت به سطح استفاده از پارسر بیان کرد، و توصیه می‌کند به جای سرمایه‌گذاری و برنامه‌نویسی‌های طاقت‌فرسا و مشکل بر روی پارسرها، منطقی است که در شرایط کنونی لغت‌نامه‌های متنی گسترش و تقویت شوند، زیرا به گفته ایشان گرایش به پارسر در دهه قبل به علت محدودیت ذخیره‌سازی واژگان و سرعت کم رایانه‌ها بود، چیزی که امروز وجود ندارد و روز به روز نیز تقویت می‌شود، و به نظر ایشان اطمینان از ترجمه بهتر با به‌کارگیری لغت‌نامه‌های متنی بهتر تضمین می‌شود و ضرورت ندارد برای عبارات و جملات رایج و تجربه شده، برنامه‌ای را به پارسر داد و در شرایط ایده‌آل‌تر، بهتر آن است که عبارات و جملات رایج و تجربه شده را در قالب لغت‌نامه‌های بزرگ متنی به آن متصل کرد، به گفته پروفیسور مارچوک رایج شدن استفاده از هوش مصنوعی نباید فریبنده برای به‌کارگیری بی‌مورد آن باشد (مارچوک، ۱۹۸۳، ص ۱۲۷).

بر اساس این رویکرد جدید، اگر لغت‌نامه‌های متنی خاص ترجمه ماشینی ساخته شود، سیستم روان‌تر و طبیعی‌تر کار خواهد کرد و در هنگام برخورد با جمله *The fish was bought by the cook* عملکرد پارسر با لحاظ درج *by the cook* در لغت‌نامه متنی سریع‌تر و درست خواهد بود.

واضح است، چنین لغت‌نامه‌های متنی خاص ترجمه ماشینی، استفاده عمومی نمی‌تواند داشته باشد، و به درد بازار عمومی فروش کتاب نمی‌خورد، اما برای سیستم ترجمه ماشینی ضروری است.

این مسئله در مورد دیگر اجزاء یاد شده زبانی، یعنی، نحو و ساختار زبان و معنانشناسی نیز صدق می‌کند، که در این جا مجال پرداختن به آن نیست.

به گفته پروفیسور مارچوک، سیستم فوق‌العاده قوی ترجمه ماشینی، سیستم مربوط به دانشگاه جورج واشنگتن آمریکا، بر پایه لغت‌نامه بسته و محرمانه متنی استوار است، لغت‌نامه‌ای که هر روز ترکیبات جدیدی به آن افزوده می‌شود، و در واقع این ربات غول‌پیکر مترجم، بیش از آن که نتیجه علم باشد، دستاورد حلم است.

امروزه بر اساس ارزیابی‌های علمی و آماری، ثابت شده که ترجمه ماشینی حتی در زمینه شعر و رمان هم که مشکل‌ترین نوع متن برای ترجمه ماشینی است، امکان‌پذیر است، به شرط آن که لگاریتم موضوع دقیق و تحلیل معنایی دقیقی از متن و ارتباط لغات و پیوندهای زنجیری و

۱- توضیح درباره روش بیست و دو (۲۲) مرحله‌ای با احتساب تجزیه و تحلیل صرفی و نحوی در زبان مبدأ و مقصد صورت می‌گیرد، امیدوارم در آینده نزدیک به تفصیل مقاله‌ای در این ارتباط تقریر و به دانش‌پژوهان علاقه‌مند ارائه نمایم.

آنچه که در زبان‌شناسی قرن اخیر به عنوان روابط زنجیری و زبرزنجیری و معناشناسی شناخته و تعریف شده بود، برای نیازهای کنونی کاربرد چندانی ندارد.

در سال ۱۹۹۷ قرار داد ساخت سیستم ترجمه ماشینی روسی به فارسی بین ایران و روسیه منعقد شد. پروژه ترجمه ماشینی روسی به فارسی، یک پروژه ملی نبود و توسط بخش خصوصی و یکی از شرکت‌های بزرگ ایرانی اهمیت آن معلوم شد و قصد تحقق آن در شرف انجام بود. این پروژه به چند دلیل محکوم به شکست شد، اما مهمترین اشکال آن این بود که ما یعنی طرف ایرانی پیش‌نیازهای آن را به‌دست نیاورده بودیم، پیش‌نیازهایی که شامل فرهنگ بسامدی و لغت‌نامه متنی و لغت‌نامه‌های تخصصی بود و توقع داشتیم آن‌ها را نیز روس‌ها برای ما تألیف و رمزگذاری کنند!

اولین موضوعی که در دستور کار سیستم ترجمه ماشینی روسی به فارسی قرار می‌گرفت، ساختن لغت‌نامه مناسب برای آن بود و جالب‌تر آن‌که طرف مجری روس خواستار آن شد که متن‌های مورد علاقه برای ترجمه می‌بایست در اختیار ایشان قرار گیرد، تا لغت‌نامه با احتساب کلمات موجود در آن شکل گیرد، زیرا اگر این کار انجام نشود دو اشکال اساسی در مرحله نهایی کار بروز خواهد کرد، یکی آن‌که احتمال فقدان معنای کلمات افزایش خواهد یافت و دیگر آن‌که کار پارسر (تحلیل‌گر نحوی) در ارتباط با کلمات و اصطلاحات کلیدی در هنگام ترجمه، با خطاهای فراوان توأم خواهد شد. بعد از چند ماه و پیشرفت ۴۰٪ کار و در حالی که چیزی نمانده بود که اولین واریانت آن روی مانیتور برود، همه چیز تمام شد. شرکت مایکروسافت به شرکت روسی آرسنال که ما طرف قرار با آن بودیم، پیام داد که این کار را نباید انجام دهد و گرنه حمایت و همکاری آن شرکت که دیگر آن موقع شعبه‌ای از مایکروسافت در روسیه بود، تحت‌الشعاع این موضوع قرار خواهد گرفت. آرسنال تسلیم شد و پروژه تعطیل.

بیشتر وقت ما روی تهیه لغت‌نامه‌ها صرف شده بود، لغت‌نامه‌هایی که داخل کشور هم تهیه کردن آنها میسر بود.

امیدوارم بالاخره اهمیت این موضوع برای مسئولین ذیربط مشخص شود و با تخصیص بودجه و امکانات امکان حرکت مناسب و در شأن کشور عزیزمان ایران به‌طور دائم در این حیطه فراهم آید.

در حال حاضر، ما در دانشگاه‌های خود از فناوری استفاده از پارسرهای مناسب محرومیم، اما دیر یا زود این نیاز برآورده خواهد شد، در آن موقع نباید حسرت آن را بخوریم که چرا اطلاعات خام نداریم و لغت‌نامه‌های مربوط را فراهم نکرده‌ایم.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب ارائه شده در این مقاله، نیاز و ضرورت توجه به فعالیت‌های فرهنگ‌نویسی در ابعاد مختلف مشخص و راه‌حلی برای تحقق آن ارائه شد، فرهنگ‌نویسی طبق ارزیابی‌های ما به سه دلیل مستلزم توجه و مستحق حمایت است، اول به‌خاطر تغییراتی که در اجزای مختلف زبان و به‌خصوص در سطح واژگان روی می‌دهد و ضرورت ویرایش و تصحیحات متوالی قطعی می‌شود، دوم به‌خاطر توسعه نیازهای ملی هر کشور ضرورت ارتقاء کمیت و کیفیت منابع و مآخذ بنیادی مانند لغت‌نامه‌های دو زبانه را اجتناب‌ناپذیر می‌کند و بالاخره به‌خاطر به‌وجود آمدن نیازهای جدیدی که به واسطه انتقال اطلاعات به ماشین و اخذ از آن‌ها به‌وجود آمده، که این مورد آخر شیوه‌های غیرمتعارفی از فرهنگ‌نویسی را ایجاب می‌کند.

در ایران و روسیه، امروزه نیاز به منابع علمی دو سویه بیش از پیش احساس می‌شود و برای بسیاری از علاقه‌مندان و فارغ‌التحصیلان دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری زمینه فعالیت برای تألیف لغت‌نامه‌های گوناگونی که مورد نیاز هر دو کشور است، وجود دارد، اما تحقق این مهم منوط به اخذ تمهیدات لازم و در اختیار گذاردن تسهیلاتی است.

تجربه و تحقیق بیانگر آن است، که تألیف لغت‌نامه روسی - فارسی اگر بدون توجه به تفاوت‌های زبانی و روان‌شناسی زبان و دیگر عوامل مرتبط انجام گیرد، نتیجه مناسبی در بر نخواهد داشت. در تهیه و تدوین لغت‌نامه‌ها رعایت اصول و استانداردهای جهانی الزامی است و بی‌توجه به آن عواقب منفی آموزشی و پژوهشی در پی خواهد داشت.

منابع

- ۱- خداپرستی، فرج‌الله، ابداع نخستین تجزیه و تحلیلگر نحوی، ۱۳۶۵-۶۶ انتشارات دانشگاه شیراز.
- ۲- گلکاریان، قدیر، فرهنگ دو سویه روسی - فارسی، انتشارات دانشیار، ۱۳۸۱.
- ۳- ولی‌پور، علی‌رضا، ضرورت توجه به مقولات لغوی و دستوری متفاوت در زبان روسی و فارسی و چگونگی تطبیق آن‌ها: فصلنامه پژوهش زبان‌های

- 4- Апресян Ю. Д. *Конверсивы как средств во синонимического преобразования языковой информации*. - В кн.: Проблемы прикладной лингвистики. М. Тореза, 1998.
- 5- Арутюнова Н. Д. *Коммуникативная функция и значение слова*. - "Филологические науки", 1973, № 3.
- 6- Бархударов Л.С. *Язык и перевод*. - М.: Межд. отношения, 1995. – 239
- 7- Восканян Г.А. *Русско-Персидский словарь*. – М 1975.
- 8- Богданов В. В. *Иллокутивная функция высказывания и перфоративный глагол*. Калинин, 1983. - 166 с.
- 9- Виноград Т. *Работа с естественными языками*. М.: Высшая школа, 1986
- 10- Гальперин И.Р. *Текст как объект лингвистического исследования*. М., "Наука", 1981
- 11- Гаспаров Б.Н. *Лингвистика языкового существования*. М.: 1996.
- 12- Долинин К.А. *Имплицированное содержание высказывания* "Вопросы языкознания", 1983, № 4
- 13- Звегинцев В.А. *Предложение и его отношение к языку и речи*. М., Изд. МГУ, 1976.
- 14- Комиссаров В.Н. *Современное переподведение*. М.: 1999
- 15- Кожина М.Н. *Соотношение стилистики и лингвистики текста*. М. 1979
- 16- Марчук Ю.Н. *Проблемы машинного перевода*. М., Наука, 1983
- 17- Мельчук И.А. *К построению действующей модели языка* "Смысл - Текст". М., 1989.
- 18- Овчинникова И.К. *Русско- Персидский словарь*. – М 1965.
- 19- Якобсон Р. *В поисках сущности языка*. - В кн.: Сборник переводов по вопросам информационной теории и практики. № 16, 1998, М., ВИНТИ.